

انگلیسی
اسلامی
ایرانی

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز چاپ و انتشارات

ارائه نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی با راهبرد نظریه پردازی داده بنیاد

دکتر حسن موفق^۱، دکتر غلامرضا هاشم‌زاده خوراسگانی^۲، دکتر اسفندیار دشمن‌زیاری^۳

چکیده

هیچ مکتبی به اندازه اسلام برای دانش و آگاهی ارزش قائل نیست و هیچ دینی مانند دین اسلام انسان‌ها را از خطر جهل برحذر نداشته است. مدیریت دانش، مفهوم تازه‌ای نیست و بیشتر حاصل کار تمدن‌های قدیمی از جمله تمدن اسلام و ایران است. بسیاری از فیلسوفان علم بر این امر تأکید دارند که هر جامعه‌ای نیازمند به مجموعه دانشی است که متناسب با حافظه تاریخی، فرهنگی و به‌طور کلی، سازگار با محیط زندگی آن جامعه باشد. در این میان کشورهای اسلامی به‌ویژه ایران با داشتن فلسفه زندگی خاص و فرهنگ متفاوت با دیگر کشورها، به تئوری‌های خاص خود نیاز دارند. با وجود مطالعات فراوانی که در حوزه مدیریت دانش انجام گرفته است، شمار بسیار کمی از تحقیقات به مدیریت دانش با رویکرد ایرانی‌اسلامی پرداخته‌اند و تحقیق جامع و معتبری در این خصوص مشاهده نگردید. این امر پژوهشگران را برآن داشت تا با به‌کار بردن روش کیفی و راهبرد نظریه‌پردازی داده بنیاد به مطالعه و بررسی در حوزه مورد اشاره بپردازند. هدف این پژوهش این است که ضمن مقایسه مدل‌های مختلف مدیریت دانش و بررسی چرخه مدیریت دانش در ادبیات مدیریت و منابع اسلامی، نظریه مدیریت دانش ایرانی‌اسلامی را ارائه کند. در این پژوهش با هفده نفر از خیرگان مصاحبه اختصاصی صورت گرفت که براساس تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده و پس از فرآیند کدگذاری سه مرحله‌ای متن مصاحبه‌ها ۲۳۵ کد نهایی، ۸۰ مفهوم نهایی و ۲۹ مقوله به‌دست آمد و سپس نظریه مدیریت دانش ایرانی‌اسلامی مطرح شد.

واژه‌های کلیدی: دانش، مدل‌های مدیریت دانش، فرآیند مدیریت دانش، نظریه مدیریت دانش ایرانی‌اسلامی، نظریه پردازی داده بنیاد.

۱. گروه مدیریت فناوری اطلاعات واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Movaffagh.hasan@gmail.com

۲. گروه مدیریت صنعتی واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Gh_hashemzadeh@azad.ac.ir

۳. گروه مدیریت بازرگانی واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. doshmanziari@gmail.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

مدیریت دانش مفهوم تازه‌ای نیست. در حقیقت مدیریت دانش بیشتر حاصل کار تمدن‌های قدیمی است تا نوآوری‌های اخیر. مروری بر روند تکامل مدیریت دانش نشان می‌دهد که مدیریت دانش در سراسر دوره‌ها به شکل‌های مختلفی حضور داشته، از تصاویر حک شده در لوح‌های رُسی گرفته تا انواع سیستم‌های فنی که امروزه انسان با استفاده از آنها، ایجاد فرهنگ دانش‌مدار و تحقق یکپارچه چهار حلقه خلق، سازماندهی، تبادل و به‌کار بستن دانش، آن را مدیریت می‌کند. در دوره معاصر نظریه‌پردازان بسیاری در راستای تکامل مدیریت دانش درگیر بودند که از آن میان می‌توان نظریه‌پردازان بزرگی همچون پیتر دراگر، پاول استراوس من و پیتر سنگه از آمریکا را نام برد. دراگر و استراوس من بیشتر در زمینه اهمیت ارتقاء اطلاعات و دانش ساده به‌عنوان منابع سازمانی، و سنگه با تمرکز بر سازمان‌های یادگیرنده، ابعاد فرهنگی مدیریت دانش را به‌وجود آورده‌اند. تعداد دیگری از دانشمندان وابسته به مجله هاروارد حقایق دیگری از مدیریت دانش را آشکار نمودند. در حقیقت دانشمند معروف لئونارد بارتون توانست موردکاوی قابل توجهی را از شرکت استیل چاپارل ارائه دهد. همزمان با رشد ایده دانش به‌عنوان منبع استراتژیک در قرن ۲۱، دانش به مثابه یک مزیت رقابتی مهم در سازمان‌های پیشرو، مورد توجه جدی قرار گرفت. از این‌رو چندی است که بسیاری از دانشمندان علم مدیریت، تلاش‌هایی برای نظام‌مند کردن استفاده از دانش در سازمان، از راه ایجاد باب جدیدی در مدیریت با عنوان مدیریت دانش را آغاز کرده‌اند. عصر دانایی یا دانش، عنوان جدیدی است که به زمان حاضر و آینده نزدیک اطلاق می‌شود. به‌منظور بهره‌بهینه از سرمایه دانش در سازمان‌ها رشته تازه‌ای از مدیریت به‌نام مدیریت دانش، پدید آمده است تا ضمن بهبود بخشیدن به فرآیندهای دانش و با پیوند میان استراتژی سازمان و استراتژی مدیریت دانش در تأمین دانش مناسب، در زمان مناسب، برای فرد مناسب به حفظ مزیت رقابتی سازمان کمک کند (موفق، ۱۳۹۷).

در زمینه مدیریت دانش اسلامی و از منظر اهل سنت، آثاری وجود دارد که در آنها منابع مورد استناد، معدودی از آیات قرآن و یکی دو نقل از رسول اکرم (ص) آمده. مدیریت دانش از منظر اسلام تلاش

برای تحقق دانایی‌های کارکنان، مدیران و ذینفعان درونی و بیرونی سازمان از طریق فرایند سکوت، کسب، نگهداری، به‌کارگیری و انتشار دانش است. در منابع اسلامی، برای مدیریت دانش، فرایندی بیان شده است که می‌توان آن را از آیات و روایات به‌دست آورد (منطقی و اکبری، ۱۳۹۲: ۵). در منابع اسلامی آمده است: مردی خدمت رسول خدا آمد و گفت: یا رسول الله دانش چیست؟ فرمود: سکوت کردن. گفت: سپس چه؟ فرمود: گوش فرادادن. گفت: سپس چه؟ فرمود: حفظ کردن. گفت: سپس چه؟ فرمود: آن را به‌کار بستن. گفت: سپس چه ای رسول خدا؟ فرمود: انتشار دادن آن (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۴۸). مضمون حدیث فوق به‌صورت جدی‌تر، در حد لزوم و وجوب، در روایت دیگری از رسول اکرم نقل شده است که حضرت فرمود: چهار چیز بر هر صاحب‌خرد و عقلی از امت من واجب است. گفتند: ای پیامبر! آن چهار چیز چیست؟ گفت: گوش فرا دادن به دانش و به‌یاد سپردن آن و در میان مردمان نشر کردن، و به‌کار بستن (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۵۷). همچنین از امام باقر (ع) نقل شده است که در ایام فتح مکه، پیامبر اسلام در محوطه کعبه ایستاده بود که هیأتی از نمایندگی قبیله بکر بن وائل محضر رسول خدا آمدند و به‌حضرت سلام کردند. رسول خدا از آنها در مورد قُسس بن ساعده پرسید. آنها در پاسخ گفتند: مُرد. پیامبر خدا در حق او دعا فرمود و از صفات و رفتار نیک او یاد نمود و فرمود: او برای مردم خطبه می‌خواند و می‌گفت: ای مردم گرد آید و چون گرد آیدید، خاموش شوید و چون خاموش شدید، گوش دهید و چون شنیدید، ببندید و کامل فرا بگیرید و چون فرا گرفتید، به‌خاطر بسپارید و چون به‌خاطر سپردید، درست نقل کنید و انتشار دهید (کراجکی، ۱۴۱۰ق: ۱۳۴). در روایات بعضی از ائمه نیز، فرایند پنج‌گانه همانند روایات پیشین، که از رسول اکرم نقل شده، آمده است: «و قال بعضهم: أوَّلُ العِلْمِ الْإِنصَاتُ ثُمَّ الْإِسْتِمَاعُ ثُمَّ الْحِفْظُ ثُمَّ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّشْرُ» (دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۱۵).

از نظر اسلام انسان‌ها در هر حرکت و کاری نیاز به دانش و آگاهی دارند و تمام اعتقادات، اخلاق و اعمال انسان‌ها باید مبنای علمی داشته باشد (تولایی، ۱۳۹۰: ۱). جامعه فعلی یک جامعه دانش‌مدار است. سه مشخصه این جامعه عبارتند از: بی‌مرزی، پویایی و سرعت. مشخصات سه‌گانه مذکور موجب رقابتی شدن بسیار زیاد جامعه دانش‌مدار می‌گردند (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). در عصر

کنونی بسیاری از فیلسوفان علم بر این امر تأکید دارند که هر جامعه‌ای نیازمند به مجموعه دانشی است که متناسب با حافظه تاریخی، فرهنگی و به‌طور کلی، سازگار با محیط زندگی آن جامعه باشد. براین اساس جهان شمول بودن بسیاری از تئوری‌ها نه تنها در حوزه علم‌الاجتماع و علوم انسانی، بلکه در حوزه فیزیکی و مادی نیز زیر سوال رفته است. در این میان کشورهای اسلامی با داشتن فلسفه زندگی خاص و فرهنگ متفاوت با دیگر کشورها، به تئوری‌های خاص خود نیاز دارند. به همین صورت جوامع اسلامی نیز در حوزه مدیریت جامعه به‌طور اعم و مدیریت سازمان‌ها به‌طور اخص نیازمند تئوری‌های بومی و اسلامی متناسب با مبانی علوم دینی هستند (دانایی فرد و مومنی، ۱۳۸۷: ۸۰). در حوزه مدیریت دانش مدل‌های مختلفی ارائه شده است ولی بسیاری از آنها با مبانی علوم اسلامی و فرهنگ ایران سنخیت چندانی ندارد و عدم کاربرد آنها در عمل، شکاف میان تئوری و عمل را در اذهان متبادر کرده است. از سوی دیگر، با توجه به این مسئله که نرخ شکست در پروژه‌های مدیریت دانش قابل توجه است (شاه‌بندرزاده و توکلی، ۱۳۹۳: ۱۳)، از این‌رو ارائه مدل مدیریت دانش بومی امری ضروری به‌نظر می‌رسد، تا احتمال شکست پروژه‌های مدیریت دانش کاهش یابد. با توجه به موارد ذکر شده باید گفت استقرار مدیریت دانش بدون داشتن مدل بومی امری بیهوده و ناکارآمد خواهد بود. تا کنون تحقیقات مدونی به‌منظور ارائه و توسعه مدیریت دانش ایرانی-اسلامی صورت پذیرفته و نوآوری این پژوهش مطرح نمودن نظریه مدیریت دانش ایرانی-اسلامی است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر این است که ضمن مقایسه مدل‌های مختلف مدیریت دانش و بررسی چرخه مدیریت دانش در ادبیات مدیریت و منابع اسلامی، در نهایت نظریه مدیریت دانش را با رویکرد ایرانی و اسلامی ارائه کند. مسئله و دغدغه اصلی نبود مدل مدیریت دانش متناسب با فرهنگ و ارزش‌های ایرانی-اسلامی است. بنابراین پژوهشگران در این تحقیق با اتکا به راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به ارائه نظریه مدیریت دانش ایرانی-اسلامی پرداخته‌اند تا در این عرصه الگویی کاربردی مطرح نمایند.

۲. هدف و پرسش پژوهش

هدف اصلی: ارائه نظریه مدیریت دانش ایرانی‌اسلامی.

پرسش اصلی: چه مدل مدیریت دانشی بر مبنای آموزه‌های اسلامی و ایرانی مناسب است؟

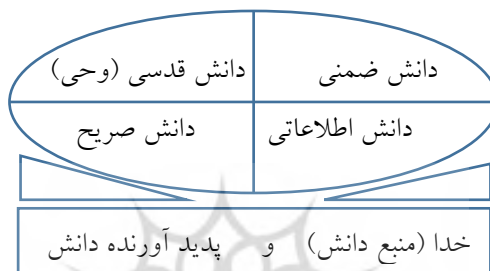
۳. پیشینه پژوهش

العطاری و زیری^۱ (۲۰۰۱) در یک مطالعه تطبیقی، قابلیت دسترسی سیستم‌های مدیریت دانش را در بخش‌های دولتی و عمومی کویت بررسی کرده‌اند. در این مطالعه مشخص گردید که بیشتر بخش‌های دولتی و عمومی باور دارند که سیستم‌های مدیریت دانش برای پیشرفت سازمان‌هایشان بسیار مهم و ضروری است. همچنین مشخص شد که عمده‌ترین روش در سازمان‌های کویت برای تسهیم دانش بین کارکنان، استفاده از مجلات داخلی سازمانی است. لیویتز و چن (۲۰۰۳) در پژوهشی که در باره مدیریت دانش در بخش دولتی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که تسهیم دانش در سازمان‌های دولتی چالش‌هایی دارد، چون بیشتر آنها وابسته و بوروکراتیک هستند و تسهیم دانش در آنها سخت است. بسیاری از مردم به تسهیم دانش بی‌میل هستند زیرا آنها دانش را در خود حفظ کرده تا توسط دانش که عامل قدرت شمرده می‌شود، صاحب درجه و مقام گردند. حسن‌زاده (۱۳۸۶) در رساله دکتری خود با هدف بررسی زیرساخت مدیریت دانش در جمهوری اسلامی ایران، پژوهشی را در ۲۱ وزارتخانه و نیز سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی انجام داد. نتایج پژوهش نشان داد که بین وزارتخانه‌های مختلف و سازمان برنامه‌ریزی کشور، به لحاظ فراهم آوردن عوامل زیرساختی مدیریت دانش، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج نشان داد که به‌طور کلی وضعیت عوامل زیرساختی مدیریت دانش در وزارتخانه‌ها و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مناسب نیست. در زمینه مدیریت دانش اسلامی و از منظر اهل سنت آثاری هست که در آنها منابع مورد استناد، معدودی از آیات قرآن و یکی دو نقل از رسول اکرم (ص) است. اخوان و خادم‌الحسینی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین مدیریت دانش از دیدگاه اسلام» تحقیق کیفی با رویکرد پژوهش فرایند چرخه‌ای^۲ تحلیل انجام داده‌اند. نتایج کلی از مطالعات حاکی از همخوانی مدیریت دانش با مفاهیم و اصول اسلام است تا حدی که می‌توان مفاهیم و پایه‌های مدیریت دانش را با استناد به قرآن، سنت و سیره معصومین (ع) و سایر منابع دانش اسلامی بازشناسایی و تعریف کرده و گسترش و توسعه داد و در راستای مدیریت دانش اسلامی مورد استفاده قرار داد. این تحقیق نخستین بار به بررسی تطبیقی مدیریت دانش و مدیریت دانش اسلامی بر پایه

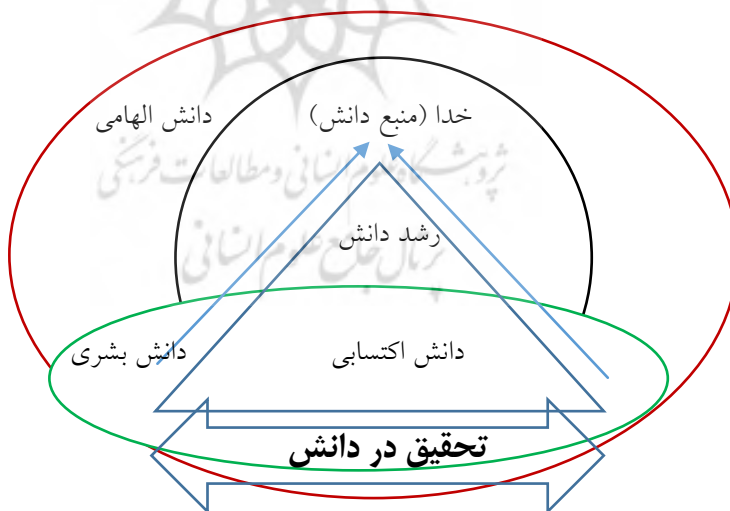
1. Al-Athari And Zairi

2. The Cyclical Process Of Analysis

احادیث و تبیین رابطه قرآن و علم به‌ویژه دانش روز از دیدگاه منابع شیعی پرداخته است (اخوان و خادم‌الحسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۴). در شکل (۱) می‌توان دیدگاه اسلامی را نسبت به مفاهیم و روابط بین اقسام دانش تشریح کرد. این تقسیم‌بندی به‌نوعی تقسیم‌بندی معرفت‌شناختی دانش است. شکل (۱) نشان دهنده تصور کلی نسبت به دانش و معرفت است. هر دانشی از دانش‌ها پدیدآورنده و حاملی دارد و گوناگونی دانش و معرفت به شکل‌های ذیل، محصول احوال و اسباب آنها است.



شکل (۱): مفهوم‌سازی مرسوم و رایج در دانش (روابط بین دانش و معرفت در دیدگاه کلی) (محمدبکر، ۲۰۱۱: ۳۶۵) در شکل (۲) می‌توان به درک بهتری از مفاهیم اسلامی دانش رسید.



شکل (۲): دیدگاه فراگیر و مفهومی اسلام به دانش و معرفت (العطاس، ۱۹۸۰: ۵۵)

ترکزاده (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «روش پژوهش فرایند چرخه‌ای تحلیل، روشی برای گردآوری، تحلیل و استنتاج از داده‌های کیفی پر بعد در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی» الگوی کارکردی از توسعه دانش مدیریت اسلامی ارائه داده‌اند، که مدیریت دانش در مرکز چرخ توسعه دانش مدیریت اسلامی قرار دارد و نقش‌های تشخیص، جهت‌دهی، هماهنگی و پیشبرد امور را ایفا می‌کند.



زمینه محیطی زیربنا

شکل (۳): الگوی کارکردی توسعه دانش مدیریت اسلامی (ترکزاده ۱۳۸۸: ۱۰۶)

مقاله «مفهوم‌سازی اسلامی مدیریت دانش» به‌طور مستقیم و مقاله «مفهوم آموزش در اسلام» غیرمستقیم به موضوع پرداخته‌اند. مقاله «مدیریت دانش و دعوت اسلامی و کارآفرینی» نیز مرتبط است. در این مقالات این فرض‌ها تأیید شده است:

- ✓ جامعه اسلامی جامعه‌ای دانش‌بنیان است.
 - ✓ بین مفاهیم مدیریت دانش و مفاهیم اسلامی ارتباط وجود دارد.
 - ✓ می‌توان براساس مدیریت دانش، الگویی برای مدیریت دانش اسلامی^۱ عرضه کرد.
- تاکنون تحقیقات مدونی به‌منظور ارائه و توسعه مدیریت دانش ایرانی-اسلامی صورت پذیرفته و نوآوری این پژوهش ارائه نظریه مدیریت دانش ایرانی-اسلامی است.

۴. چارچوب نظری و روش پژوهش

در دهه‌های گذشته تأکید بر روش‌شناسی کیفی، جایگزین تفوق و برتری روش‌شناسی کمی شده است.

1. Islamic Knowledge Management

ارائه نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی با راهبرد نظریه پردازی داده بنیاد

اگر به پیروی از دنزین و لینکلن^۱ مباحث مطرح شده در روش‌شناسی کیفی را به چهار عرصه پارادایم‌ها و رهیافت‌ها، استراتژی‌ها، روش‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و در نهایت روش‌های ارائه پژوهش تقسیم کنیم، یکی از جذاب‌ترین این عرصه‌ها، استراتژی‌های پژوهشی است. امروزه در روش‌شناسی کیفی استراتژی‌های گوناگون نظیر مطالعه موردی، قوم‌نگاری، پدیدارشناسی و غیره وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این استراتژی‌ها کشف نظریه از داده‌ها است که نظریه‌پردازی داده‌بنیاد^۲ نامیده می‌شود. امروزه این روش‌شناسی یکی از پرطرفدارترین استراتژی‌های پژوهش کیفی است و هر روز نیز بر دامنه استفاده از آن افزوده می‌شود (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶، ۷۱). بنابراین نظریه‌پردازی داده‌بنیاد روشی است که براساس و پایه داده‌ها به تولید نظریه می‌پردازد. امروزه سه رهیافت مسلط در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد قابل تمیز است: رهیافت نظام‌مند^۳ که با اثر استراوس و کوربین^۴ شناخته می‌شود؛ رهیافت ظاهر شونده^۵ که مربوط به اثر گلاسر^۶ است و رهیافت ساخت‌گرایانه^۷ که توسط چارمز^۸ حمایت می‌شود. در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد از نمونه‌گیری نظری استفاده می‌شود و تصمیم برای انتخاب نمونه در جریان فرآیند پژوهش، سازمان می‌یابد. در این روش، نمونه‌گیری به شیوه‌ای که در پژوهش‌های کمی انجام می‌شود مطرح نیست، به عبارت دیگر گستره جمعیت اصلی و ویژگی‌های آن از پیش مشخص و شناخته شده نیست. از سوی دیگر نقطه شروع در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد کار آسانی نیست و این نکته اهمیت فراوان دارد، زیرا گام‌های آغازین پژوهشگر در رسیدن به نظریه را پایه‌ریزی می‌کند. یکی از مفروضات زیربنایی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد این است که داده‌های ناشی از نظریه‌های گذشته نباید جریان تحقیق و جمع‌آوری داده را جهت دهد. همچنین مرحله اول تحقیق بر مبنای

1. Denzin & Lincoln
2. Grounded Theory
3. Systematic
4. Strauss & Corbin, 1993
5. Emergent
6. Glaser, 1992
7. Constructivist
8. Charmaz, 1990,2000

نظریه پردازی داده بنیاد، ماهیتی اکتشافی دارد (لقمان نیا به نقل از گلاسر، ۱۳۹۰، ۳۹). در این پژوهش فرآیند اجرای نظریه پردازی داده بنیاد براساس معروف ترین رهیافت موجود، رهیافت نظام مند استراوس و کوربین ارائه می شود. و برای تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده از مصاحبه ها، از تحلیل نظریه پردازی داده بنیاد^۱ استفاده شده است؛ نظریه پردازی داده بنیاد یک نظریه نیست بلکه روش شناسی برای کشف نظریه های خوابیده در داده ها است. بنابراین نظریه ها به آهستگی در یک فرآیند انتزاعی سازی تدریجی از داده ها پدیدار می شوند (ریچرتز^۲، ۲۰۱۰).

برای انجام این پژوهش با هفده نفر از خبرگان سراسر ایران در سال های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ مصاحبه اختصاصی صورت گرفت. راهبرد این پژوهش به لحاظ کیفی نظریه پردازی داده بنیاد^۳ است که ریشه در واقعیت داشته و توضیحات حوادث را همان گونه ای شرح می دهد که رخ داده است (پیران نژاد و قلی پور، ۱۳۹۲، ۲۳). این روش از نظر پارادایمی و نظری بر اصول پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی استوار است و فرض می گیرد که انسان ها عامل های هدف مندی هستند که نقش فعالی در تفسیر کردن و پاسخ گویی به مسئله ایفا می کنند (ارشدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۵). در نظریه پردازی داده بنیاد از نمونه گیری نظری استفاده می شود و تصمیم برای انتخاب نمونه در جریان فرآیند پژوهش، سازمان می یابد. یکی از مفروضات زیربنایی نظریه پردازی داده بنیاد این است که داده های ناشی از نظریه های گذشته نباید جریان پژوهش و جمع آوری داده را جهت دهد. همچنین مرحله اول پژوهش بر مبنای نظریه پردازی داده بنیاد، ماهیتی اکتشافی دارد (لقمان نیا به نقل از گلاسر، ۱۳۹۰: ۳۹). در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده ها و نظریه ای که در نهایت از داده ها استنتاج می شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند. پژوهشگر به جای این که مطالعه خود را با نظریه از پیش تصور شده ای آغاز کند، کار را با یک حوزه مطالعاتی خاص شروع کرده، اجازه می دهد که نظریه از دل داده ها پدیدار شود. نظریه برگرفته از داده ها نسبت به نظریه ای که حاصل جمع آمدن یک سلسله مفاهیم بر اساس تجربه یا تأملات صرف است، با احتمال بیشتری می تواند نمایانگر واقعیت باشد و از آن جا که نظریه های

1. Grounded Theory
2. Reichertz
3. Grounded Theory

زمینه‌ای از داده‌ها استخراج می‌شوند، می‌توانند با ایجاد بصیرت و ادراک عمیق‌تر، رهنمود مطمئنی برای عمل باشند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸: ۴۵).

در پژوهش کنونی از پایایی بازآزمون و روش توافق درون‌موضوعی دو کدگذار (ارزیاب) برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته، استفاده شده است و برای افزایش تأثیرپذیری داده‌های مصاحبه، دو روش کنترل اعضاء و بهره‌مندی از ناظران خارجی را مورد استفاده قرار داده است که از جمله روش‌ها و معیارهای اعتبارسنجی پژوهش‌های کیفی هستند. در روش نخست طی دوره پژوهش، یافته‌ها در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و از جانب ایشان کنترل و ارزیابی شد. در روش دوم نیز مفاهیم استخراج شده با دو نفر از استادان صاحب‌نظر و رویکرد انتقادی مورد ارزیابی قرار گرفت تا اطمینان حاصل شود که موارد استخراج شده، به‌درستی بیانگر نظریه‌های مطرح شده مشارکت‌کنندگان است.

۵. یافته‌های پژوهش

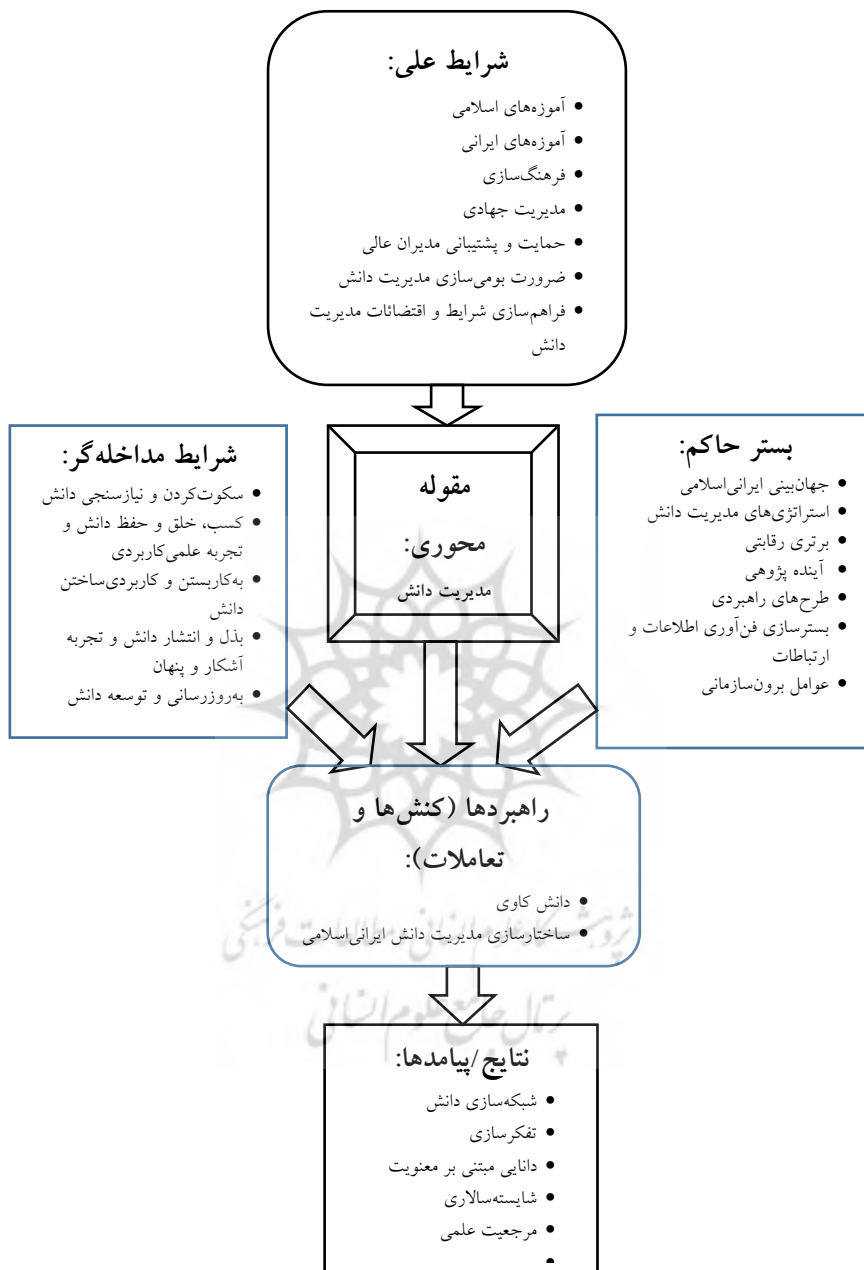
به‌منظور پاسخ دادن به پرسش اصلی پژوهش (چه مدل مدیریت دانشی بر مبنای آموزه‌های اسلامی و ایرانی مناسب است؟) تحلیل داده‌ها بلافاصله پس از جمع‌آوری داده‌ها شروع شد. در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، دو گرایش برای تحلیل داده‌ها وجود دارد؛ برخی از پژوهشگران به تحلیل جزء‌به‌جزء^۱ می‌پردازند؛ یعنی متون و داده‌ها را خط‌به‌خط و کلمه‌به‌کلمه مورد تحلیل قرار می‌دهند. برخی نیز به دلیل وقت‌گیر بودن این روش تنها نکات و مضامین کلیدی را کدگذاری می‌کنند. (دانایی فرد، ۱۳۸۴)، در این پژوهش از روش دوم استفاده شد. داده‌های جمع‌آوری شده طی فرآیند مصاحبه به‌روش کدگذاری سه مرحله‌ای استراوس و کوربین (۱۹۹۸) (کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری انتخابی^۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در فرآیند کدگذاری، ابتدا نکات کلیدی متن مصاحبه‌ها استخراج شد سپس در سه مرحله کدبندی گردید و کدهایی اولیه، کدهای ثانویه و کدهای نهایی حاصل شد. براساس تحلیل داده‌ها و از ترکیب کدهای استخراج شده در مجموع ۲۳۵ کد نهایی بدون تکرار استخراج شد که از ترکیب این تعداد ۸۰ مفهوم نهایی و ۲۹ مقوله (طبقه) شکل گرفت که در فرآیند

1. Micro-Analysis Coding
2. Open Coding
3. Axial Coding
4. Selection Coding

کدگذاری انتخابی الگوی نهایی را ایجاد کردند.

هدف نظریه پردازی داده بنیاد تولید نظریه است، نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل داده‌ها به نظریه، مفاهیم و مقوله‌های تولید شده به‌طور منظم به یکدیگر پیوند داده می‌شوند. در مرحله کدگذاری انتخابی، با ایجاد ارتباط بین گروه‌ها، آنها را یک پارچه ساخته و نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی طبق شکل (۴) مطرح شد.





شکل (۴): نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی

مراحل اصلی مدیریت دانش بیشتر شامل کسب، خلق، کدگذاری، تسهیم، ارزیابی و کاربرد دانش در سازمان‌ها است. بدین منظور، شش رویکرد عمده به چرخه مدیریت دانش توسط ویگ (۱۹۹۳)، می‌یر و زاک (۱۹۹۶)، مک‌لوری (۱۹۹۹)، بیوکویتز و ویلیامز (۲۰۰۰)، بیرکین شاو و شیهان (۲۰۰۲) و دالکر (۲۰۰۵) مطرح شده است. دالکر تلاش خوبی برای مقایسه و تلفیق مدل‌های ارائه شده برای چرخه‌های مدیریت دانش در شرکت‌ها و سازمان‌ها انجام داد و براساس مطالعه و مقایسه رویکردهای قبلی، فرایند مدیریت دانش یکپارچه را شامل مراحل زیر مطرح کرد:

خلق، کسب و متنی‌سازی دانش - تسهیم، توزیع و دسترسی دانش - درک، کاربرد و به‌روزرسانی دانش. مدیریت دانش، بیشتر بر روی فعالیت‌های شناسایی، کسب، خلق، ذخیره‌کردن، تسهیم و کاربرد دانش به‌وسیله افراد و گروه‌ها در سازمان تأکید دارد (سان^۱، ۲۰۱۰: ۵۰۷). در این ارتباط ون مدیریت دانش را مجموعه‌ای از رویه‌ها برای خلق، اکتساب، تسهیم و کاربرد دانش برای ارتقاء عملکرد سازمانی تعریف می‌کند (ون^۲، ۲۰۰۹: ۳۶۳). نحوه دریافت و جریان اطلاعات، سازماندهی اطلاعات و کاربرد علمی دانش در فعالیت‌های روزانه سازمان‌ها و تربیت و آموزش کارکنان دانشی از جمله ضرورت‌هایی است که زمینه را برای تولید دانش، ذخیره دانش و کاربرد دانش (مدیریت دانش) فراهم می‌سازد (یوگوئل، ۲۰۰۳: ۵۵). حرکت سازمان‌های پیشرو و پویا به‌سوی سازمان‌های یادگیرنده، به تثبیت هر چه بیشتر جایگاه مدیریت دانش در استراتژی توسعه و رشد سازمان‌های پیشرو منجر می‌شود (ردگاه و فقیهی، ۱۳۹۳: ۱۵). نظرات و دیدگاه‌های متنوعی در حوزه مدیریت دانش وجود دارد. انتخاب ابزارها و مدل‌های مناسب جهت پیاده‌سازی مدیریت دانش یکی از ملاحظات مدیریتی در استفاده هر چه سودمندتر از دانش‌های آشکار و نهان در سازمان‌ها است (رضایی کلاتری و صالحی، ۱۳۹۴: ۱۳). براساس دیدگاه پیتر دراگر کارکنان دانشی و کاردانشی به‌عنوان عوامل حیاتی در اقتصاد دانش‌محور تلقی می‌شوند (محمدی فاتح، ۱۳۹۰: ۵). به‌همین دلیل اساسی‌ترین مشخصه سازمان‌های هوشمند قرن ۲۱ را دانش و اطلاعات قلمداد کرده‌اند (محمدی فاتح و همکاران، ۱۳۹۰: ۱). سازمان‌هایی که می‌دانند دانش و اطلاعات را چگونه باید مدیریت کنند، رهبران صنعت خود خواهند بود (منوریان و

1. Sun
2. Wen

همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵). با مطرح شدن عنصر دانش و دانایی به عنوان اصلی ترین منبع و سرمایه سازمانها و اهمیت یافتن کارکنان دانشی، دریچه‌ای نو در اداره امور و مدیریت سازمانها گشوده شده است (هولت هوس^۱، ۲۰۱۰: ۵). براین اساس دست‌اندرکارانی که از نظر فیزیکی قوی‌ترند، مورد توجه نیستند و این کارگزاران دانشی‌اند که با استفاده از دانش و دانایی، تولیدکننده اصلی ثروت و ارزش افزده محسوب می‌شوند (شریف‌الدین و رولند^۲، ۲۰۰۴: ۱۰۵).

با توجه به مواردی که مطرح شد، چرخه مدیریت دانش اغلب به مراحل ۳ تا ۸ فرایندی تقسیم می‌شود. در این تحقیق پس از مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران، با ادغام و تعدیل فرایندهایی که به دست محققان مختلف ارائه شده بود و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، چرخه فرآیندی مدیریت دانش به پنج بعد مختلف تقسیم گردید:

۱. سکوت‌کردن و نیازسنجی دانش، ۲. کسب، خلق و حفظ دانش، ۳. به‌کاربستن و کاربردی ساختن دانش، ۴. بذل و انتشار دانش، ۵. به‌روزرسانی و توسعه دانش.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

با وجود مطالعات فراوانی که در حوزه مدیریت دانش انجام گرفته است، شمار بسیار کمی از تحقیقات به مدیریت دانش با رویکرد ایرانی-اسلامی پرداخته‌اند و تحقیق جامع و معتبری در این خصوص مشاهده نگردید. این امر پژوهشگران را برآن داشت تا با استفاده از روش کیفی و راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به مطالعه و بررسی در حوزه مورد اشاره بپردازند. هدف پژوهش حاضر این بود که ضمن مقایسه مدل‌های مختلف مدیریت دانش و بررسی چرخه مدیریت دانش در ادبیات مدیریت و منابع اسلامی، نظریه مدیریت دانش ایرانی-اسلامی را ارائه کند. به‌منظور رسیدن به این هدف، تحلیل داده‌های مصاحبه بی‌درنگ پس از جمع‌آوری داده‌ها شروع شد و نظریه مدیریت دانش ایرانی-اسلامی برابر شکل (۴) مطرح شد. همچنین چرخه فرآیندی مدیریت دانش به پنج بعد: ۱. سکوت‌کردن و نیازسنجی دانش، ۲. کسب، خلق و حفظ دانش، ۳. به‌کاربستن و کاربردی ساختن دانش، ۴. بذل و

1. Holthouse

2. Sharifuddin, Ikhsan And Rowland

انتشار دانش و ۵. به روز رسانی و توسعه دانش تقسیم گردید. طبق نظریه ارائه شده، مدیریت دانش ایرانی اسلامی تلاشی برای تحقق عملکرد مدیریت دانش از طریق فرایند سکوت کردن و نیازسنجی دانش، کسب، خلق و حفظ دانش، به کار بستن و کاربردی ساختن دانش، بذل و انتشار دانش و روزرسانی و توسعه دانش برگرفته از آموزه های اسلامی و ایرانی جهت نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام است (موفق، ۱۳۹۷). هدف نهایی از مدیریت دانش ایرانی اسلامی، ایجاد جامعه دانشی اسلامی و اجرای ارزش ها و معانی اسلام در زندگی واقعی است تا مبادله دانش بین نسل ها استمرار یابد و پس از آن تولید دانش معاصر براساس مقتضیات زمان و بر مبنای پایه ها و مبانی اصول اسلامی صورت گیرد و از طریق مدیریت مستمر دانش اسلامی اجرا و بهره وری آن همیشگی شود.

در رویکرد اسلامی، هدف مشترک همگان در نهایت رسیدن به رضایت و قرب خدا است. رویکرد اسلامی انگیزه درونی ایجاد می کند که نقش کاتالیزور دارد، اجزاء مختلف را به یکدیگر پیوند می زند و همگان را در جهت گیری الهی با هم متحد می کند که در مجموعه ای واحد با هم تلاش می کنند تا در آن سازمانی که هستند با نشر دانش و توانمندسازی یکدیگر بتوانند وظایف خود را به بهترین شکل انجام دهند. ما از صبغه تمدن ایرانی و صبغه فرهنگ اسلامی می توانیم برای بهبود مدیریت دانش استفاده کنیم. ما ایرانی ها سابقه درخشان و طولانی در بحث دانش، علم آموزی، علم اندوزی در دنیا داریم. مصداق آن کتابخانه های مجهزی بوده که در دوران بسیار قدیم داشتیم، در دین اسلام و فرهنگ ایران، بر مقوله دانش، انتقال دانش و انتقال تجربه تأکید فراوانی می شود. بنابراین ظرفیت های تمدنی، تاریخی و فرهنگی لازم را برای نهادینه سازی مدیریت دانش داریم. ارزش های دینی ما مبتنی بر کسب دانش و نگهداری دانش است. در فرآیند مدیریت دانش بسیاری از مصداقهای تاریخی، تمدنی و همچنین آیات و روایات متعددی می توانیم بیاوریم که مؤید این مطالب باشد. از این رو بر مدیریت دانش ایرانی اسلامی تأکید می شود و شواهد بسیار زیادی می توانیم برای تأیید این موضوع معرفی کنیم. همچنین در مدیریت دانش ایرانی اسلامی بی گمان لازم است که مدلی با رویکرد ایرانی اسلامی مطرح شود، چون مدل هایی که از کشورهای غربی به صورت تئوریک وارد کشور ما شده است با ساختار فرهنگی، با دین اسلام و با پارادایم فکری جامعه ما همخوانی ندارد. بنابراین در این پژوهش مدیریت دانش با رویکرد ایرانی اسلامی متناسب با فرهنگ ایران و دین اسلام، مطرح شد.

منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن ابن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۲. اخوان، پیمان و سید پیمان خادم‌الحسینی (۱۳۹۲)، *تبیین مدیریت دانش از دیدگاه اسلام*، دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، شماره ۲، سال ۲۱، صص ۹۹-۱۲۶.
۳. ارشدی، وحید؛ سلیمی فر، مصطفی؛ ناجی میدانی، علی اکبر و بهروز مهram (۱۳۹۴)، *نظم‌پذیری جمعی درون خانواده؛ پدیده محوری در تأثیرپذیری عملکرد اقتصادی از آموزه‌های اسلامی: مقاله‌ای براساس نظریه زمینه‌ای*، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۱، دوره ۸، صص ۴۵-۷۰.
۴. پیران‌نژاد، علی و آریین قلی‌پور (۱۳۹۲)، *مدیریت دانش*، فصلنامه مدیریت دولتی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، شماره ۲، دوره ۵، صص ۱۹-۳۶.
۵. تولایی، روح‌اله (۱۳۹۰)، *بررسی مفهوم دانش در منابع اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی علی رضائیان، دانشگاه امام صادق.
۶. ترک‌زاده، جعفر (۱۳۸۸)، *روش پژوهش فرآیند چرخه‌ای تحلیل، روشی برای گردآوری، تحلیل و استنتاج از داده‌های کیفی پر بعد در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی*، فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۵، شماره ۶۱.
۷. حاتمی، رضا؛ صفائی، بهزاد و سعید غلامی (۱۳۹۴)، *بررسی مدل‌های مدیریت دانش و ارائه مدل مفهومی مدیریت دانش به‌عنوان مزیت رقابتی با استفاده از رویکرد پویایی‌های سیستم*، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
۸. حسن‌زاده، محمد (۱۳۸۶)، *موانع زیرساختی اعمال مدیریت دانش در ایران*، اولین کنفرانس ملی مدیریت دانش، تهران.
۹. حسینی زبیدی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تصحیح علی هلالی و علی سیری، بیروت: دارالفکر.

۱۰. دانایی فرد، حسن و سیدمجتبی امامی (۱۳۸۶)، *استراتژی‌های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه پردازی داده بنیاد*، اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم، صص ۶۹-۹۷.
۱۱. دانایی فرد، حسن و نونا مومنی (۱۳۸۷)، *تئوری رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی (ع)*، *استراتژی تئوری داده بنیاد* متنی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۴، سال ۴، صص ۷۵-۱۱۰.
۱۲. دیلمی، حسن ابن محمد (۱۴۰۸ق)، *اعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم: موسسه آل‌البیت.
۱۳. ردگاه، ژاله و علیرضا فقیهی (۱۳۹۳)، *راه کارهای بهره گیری از مدل مدیریت دانش نوناکا در سازمان‌ها*، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری.
۱۴. رضائی کلانتری، مرضیه و محمد صالحی (۱۳۹۴)، *نقش مدل‌های مدیریت دانش در سازمان‌های امروزی*، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، شرکت علمی پژوهشی و مشاوره‌ای آینده‌ساز، استان مازندران، ساری.
۱۵. شاه‌بندرزاده، حمید و مهدی توکلی (۱۳۹۳)، *ارائه مدلی جهت پیاده‌سازی مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی*، سومین همایش علوم مدیریت نوین.
۱۶. کراچکی، محمدابن علی (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، تصحیح عبدالله نعمه، قم: دارالذخایر.
۱۷. کلینی، محمدابن یعقوب (۴۲۹ق)، *الکافی*، قم: دارالحدیث.
۱۸. لقمان‌نیا و دیگران (۱۳۹۰)، *شناسایی مولفه‌های هویت ملی در برنامه‌های درسی براساس نظریه داده بنیاد*، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۴، سال ۱۰، صص ۳۳-۵۶.
۱۹. موفق، حسن (۱۳۹۷)، *ارائه مدل مدیریت دانش ایرانی اسلامی برای سازمان‌های دولتی ایران*، رساله دکتری به راهنمایی غلام‌رضا هاشم‌زاده خوراسگانی، دانشکده مدیریت، گروه مدیریت فناوری اطلاعات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۲۰. محمدی فاتح، اصغر؛ سبحانی، محمدصادق و داریوش محمدی (۱۳۹۰)، *مدیریت دانش رویکردی جامع*، تهران، چاپ دوم: انتشارات پویش.
۲۱. محمدی فاتح، اصغر (۱۳۹۰)، *مدیریت دانش در محیط کار پست مدرن*، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس ملی مدیریت دانش، سالن همایش‌های بین‌المللی رازی، تهران.

۲۲. منطقی، محسن و ظاهر اکبری (۱۳۹۲)، *مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی*، شماره ۱، پیاپی ۷، سال ۳، صص ۵۹-۷۶.

۲۳. منوریان، عباس؛ محمدی فاتح، اصغر و فضل اله زارع پور (۱۳۹۰)، *خلق سازمان‌های دانش محور*، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.

24. Al_Athari A. and Zairi M. (2001). *"Building Benchmarking Competence Through Knowledge Management Capability_An Empirical Study At The Kuwaiti Contex"*. Benchmarking: An International Journal, Vol 8, No 1, Pp 70-80.
25. Al-Attas, Syed Muhammad Al-Naguib. (1980). *"The Concept Of Education In Islam: A Framework For An Islamic Philosophy Of Education"*. Kuala Lumpur, Muslim Youth Movement Of Malaysia (Abim).
26. Denzin, Norman K. And Lincoln, Yvonna S. (1994). *"Introduction: Entering The Field Of Qualitative Research"*. Thousand Oaks, Ca: Sage.
27. Holtshouse, D. (2010). *"Knowledge Work 2020: Thinking Ahead About Knowledge Wprk"*. Journal Of On The Horizon. Vol 18, No 3, Pp 1-9.
28. Liebowitz, J. , Megbolugbe, I, (2003). *"A Set Of Frameworks To Aid The Project Manager In Conceptualizing And Implementing Knoledge Management Initiatives"*. International Journal Of Project Management, Vol 21, Pp 89-98.
29. Muhammadulbakir, Hj. Yaakub. (2011). *"Islamic Conceptualization Of Knowledge Management"*. American Journal Of Economics And Business Administration. Vol 3, No 2, Pp 363-369.
30. Sharifuddin Syed_Ikhsan, S.O. And Fytton Rowland. (2004). *"Knowledge Management In A Public Organization: A Study On The Relationship Between Organizational Elements And The Performance Of Knowledge Transfer"*. Journal Of Knowledge Management. Vol 8, Iss 2, Pp 95-111.

31. Strauss, A, Corbin, J. (1998). *"Basic Of Qualitative Research: Techniques And Procedures For Developing Grounded Theory"*. 2nd Ed. Thousand Aoks, Sage.
32. Sun, P., (2010). *"Five Critical Knowledge Management Organizational Themes"*. Journal Of Knowledge Management, VOL 14, NO 4, Pp 507-523.
- 33.33. Wen, Y., (2009). *"An Effectiveness Measurement Model For Knowledge Management"*. Knowledge-Based Systems 22, PP 363–367.
34. Yoguel, G. Et Al. (2003). *"Knowledge And Information: The Diffusion Of Ict In The Argentinaian Manufacturing Industry"*. Butterworth Heinmann, Newtown, Ma, Pp 47-76.

